

واکاوی روند روبه‌افزایش نقل روایات نشانه‌های ظهور در سیر تدوین منابع روایی

خدامراد سلیمیان^۱

چکیده

سخن از «نشانه‌های ظهور» حضرت مهدی عج به عنوان پیشگویی‌های آخرالزمانی، برای بسیاری پرسش‌برانگیز و جذاب بوده و روایات مربوط به این موضوع، در میان روایات مهدویت همواره از برجستگی ویژه‌ای برخوردار بوده است. نخستین گام را در نقل گسترده روایات نشانه‌های ظهور، کتاب الفتن نعیم‌بن حماد مروزی از منابع اهل سنت، برداشته؛ اما آنچه مسلم است، شماری از منابع روایی شیعی و به‌ویژه سه منبع برجسته روایی شیعه (الغیبه ابن ابی زینب نعمانی، کمال الدین و تمام النعمه شیخ صدوق و کتاب الغیبه شیخ طوسی) به نقل برخی از این روایات پرداخته‌اند. افزون بر سه منبع یادشده، روایات نشانه‌ها، در برخی منابع روایی نقل شده است. درنگ در تاریخ و تطور نقل روایات نشانه‌ها در منابع روایی شیعه، گویای آن است که پاره‌ای دگرگونی‌ها در روایات و شمار آن‌ها، در هر دوره نسبت به دوره پیش‌پدید آمده است؛ به گونه‌ای که هرچه از زمان حضور معصومان علیهم‌السلام دور می‌شویم، بر شمار این روایات افزوده شده است. این افزایش اگرچه لزوماً به معنای ساخته‌شدن روایات در دوره‌های بعد نیست؛ دست‌کم تردیدهایی را در اعتبار روایات بدون پیشینه پدید می‌آورد. این پژوهش که بدین صورت پیش‌از آن انجام نشده، با روشی کتابخانه‌ای و اسنادی تلاش می‌کند با بازنمایی گسترش روزافزون روایات نشانه‌های ظهور، احتمال برساختگی و تحریف را در روایات نشانه‌ها اثبات کند. **واژگان کلیدی:** منابع روایی، نشانه‌های ظهور، مهدویت، روایات نشانه‌ها.

سخن از نشانه‌های ظهور حضرت مهدی علیه السلام، به سبب کارکردهای تأثیرگذار بر امیدبخشی به جامعه منتظر، همواره از برجستگی ویژه‌ای برخوردار است. شاید در نگاه نخست، تبارشناسی و تطور این روایات و این که از هر معصوم علیهم السلام در باره نشانه‌های ظهور چند روایت رسیده است، چندان برجسته به نظر نرسد، اما از این راه می‌توان میزان اهتمام هر معصوم را در صدور روایت، انگیزش راویان در نقل و نیز نیاز و علاقه‌مندی مخاطبان به این روایات تحلیل کرد. افزون بر آن، میزان اعتبار روایات را (تا اندازه‌ای) از فراوانی نقل این روایات در منابع معتبر می‌توان به دست آورد.

تبارشناسی نشانه‌ها در صدور روایات

نخستین گام در این راه، بازشناسی شمار روایات هر معصوم در بحث نشانه‌ها است. روایاتی که از هر معصوم در باره نشانه‌ها نقل شده، شمار دقیق و روشنی نمی‌توان نشان داد؛ اما با بهره‌مندی از بررسی‌های برخی منابع معاصر که گردآمده گسترده این روایات‌اند،^۱ به اجمال می‌توان میزان اهتمام هر یک از معصومان علیهم السلام را این گونه ترسیم کرد:

۱. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم

در کتاب معجم احادیث الامام المهدی علیه السلام در بحث نشانه‌ها، حدود ۲۲۰ روایت در بخش روایات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده است. نکات قابل تأمل در این روایات از این قرارند: الف) بیش از ۸۵ روایت از این روایات با تعبیر «و لم یسندہ الی النبی صلی الله علیه و آله و سلم» نقل شده که نزد شیعه فاقد اعتبار لازم است.

۱. این مجموعه با نام معجم احادیث الامام المهدی به قلم گروهی از بزرگان حوزه علمیه قم تدوین شده است. که دارای احادیث در موضوعات گوناگون مربوط به حضرت مهدی علیه السلام با نگاه به چهارصد منبع قدیم و جدید، چاپ شده و خطی و سنی و شیعی، گردآوری شده است. مجموع روایات این اثر حدود ۱۴۴۰ روایت است که نزدیک ۵۶۰ روایت آن از منابع اهل سنت و مابقی حدود ۸۸۰ روایت شیعی است. که با ضمیمه حدود ۴۰۰ روایت تفسیرگر کم‌تر از ۲۰۰۰ روایت خواهد شد. گفتنی است این مجموعه گسترده‌ترین اثر در نوع خود است.

ب) بیش‌ترین شمار روایات نشانه‌ها در این بخش (بیش از ۹۸ روایت) از منابع روایی اهل سنت، به‌ویژه کتاب الفتن نقل شده که با توجه به میزان اعتبار این کتاب، این روایات محل دقت است.

ج) در بیش از نیمی از این روایات، به‌گونه‌ای مستقیم و یا غیر مستقیم به نشانه دجال پرداخته شده که با توجه به پیچیدگی‌های این نشانه و ارتباط آن با قیامت، ضرورت دقت در آن را دو چندان می‌کند.

د) در بیش‌تر نشانه‌های یادشده، به هیچ‌گونه پیوند روشنی با پدیده ظهور حضرت مهدی علیه السلام اشاره نشده است.

اما نشانه‌هایی که در این روایات نقل شده؛ بدین قرار است:

الف) زوال ملک بنی عباس، ابو قبیل (مروزی، ۱۴۱۴: ج ۱، ص ۲۱۴، ح ۵۸۷)،^۱ بدون آن که به پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت داده شود؛ نقل شده است.

ب) خروج سفیانی که توقف ظهور مهدی بر آن دانسته شده است (همان، ج ۱، ص ۳۳۳، ح ۹۵۵)، مانند آنچه از کعب الاحبار (نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۱۴۸-۱۴۹، ح ۴) و یا سخنانی که از ارطاة (مروزی، ۱۴۱۴: ج ۱، ص ۲۲۰، ح ۶۱۱ و ص ۲۸۴، ح ۸۳۲) نقل و گفته شده است سفیانی با آن‌ها مبارزه خواهد کرد (همان، ج ۱، ص ۲۷۹، ح ۸۱۰)، اشاره به برخی جنایات سفیانی (همان، ج ۱، ص ۳۰۶، ح ۸۸۹ و ص ۹۴، ح ۲۲۳ و ص ۲۹۶، ح ۸۶۷) و همزمانی خروج او با خروج مهدی (همان، ج ۱، ص ۳۳۲، ح ۹۵۳)؛ مباحث مرتبط با این نشانه است.

ج) خروج دجال؛ که این، بیش‌تر در نشانه‌های قیامت نقل شده؛ اما برخی روایات نیز آن را با ظهور مهدی علیه السلام بی‌ارتباط ندانسته‌اند.

د) نشانه‌ای در خورشید؛ پدیده‌ای همراه خورشید قبل از ظهور، بدون آن که به چستی و چگونگی آن اشاره‌ای شده باشد (صنعانی، بی‌تا: ج ۱، ص ۳۷۳، ح ۲۰۷۷۵) و یا دو بار کسوف خورشید در ماه رمضان پیش از ظهور (مروزی، ۱۴۱۴: ج ۱، ص ۲۲۹-۲۳۰، ح ۶۴۲) که البته هیچ یک از این روایات نیز به پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت داده نشده است.

ه) پرچم‌های سیاه؛ که این، جایگاه چندانی در روایات شیعی ندارد؛ اما در روایات فراوانی در این باره در میان اهل سنت سخن به میان آمده و برخی به پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت داده شده

۱. تمامی نشانی‌ها بر اساس کتاب معجم احادیث الامام المهدی علیه السلام نقل شده است.

است (همان، ج ۱، ص ۳۱۰، ح ۸۹۵ و ج ۱، ص ۳۱۳، ح ۹۰۴) و برخی نسبت داده نشده و مهدی را نیز در میان آنان دانسته (همان، ج ۱، ص ۳۱۱، ح ۸۹۶) و روایاتی نیز آن پرچم‌ها را از آن بنی عباس دانسته است (همان، ج ۱، ص ۳۱۰، ح ۸۹۴؛ ج ۱، ص ۳۱۴، ح ۹۱۰ و ج ۱، ص ۲۱۶، ح ۵۹۶).

(و خروج مردمانی از مشرق که زمینه‌ها را برای خروج مهدی فراهم می‌کنند (قزوینی، بی‌تا: ج ۲، ص ۱۳۶۸، ح ۴۰۸۸) و گفته شده در میان آن‌ها صاحب پرچم مهدی خواهد بود (طبرانی، ۱۴۱۷: ج ۵، ص ۷۹، ح ۴۱۴۲).

(ز خروج شعیب بن صالح از پدیده‌های پیش از ظهور است که در برخی سخنان بدان اشاره شده (مروزی، ۱۴۱۴: ج ۱، ص ۳۱۱، ح ۸۹۷)؛ او از پرچم‌داران مهدی معرفی شده است (همان، ج ۱، ص ۳۱۴، ح ۹۰۸).

(ح خسف به بیداء یا خسف بیداء؛ که در سخنانی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله (ابن ابی شیبیه، ۱۴۰۹: ج ۱۵، ص ۴۶، ح ۱۹۰۷۱) به این اتفاق اشاره شده است (قشیری، بی‌تا: ج ۴، ص ۲۲۱۰، ح ۷) که البته این نکته در کم‌تر روایتی به پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت داده شده (مروزی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۳۰۸، ح ۸۹۳؛ صنعانی، بی‌تا: ج ۱۱، ص ۳۷۱، ح ۲۰۷۶۹) و در آن به گروهی اشاره شده که در بیدا (همان، ج ۱، ص ۳۲۷، ح ۹۳۳) به زمین فرو می‌روند. آنان از مغرب و بر اساس برخی روایات، از شام به آن جا خواهند آمد (مروزی، ۱۴۱۴: ج ۱، ص ۳۲۸، ح ۹۳۶).

ط - خروج یمانی؛ از دیگر نشانه‌ها است (همان، ج ۱، ص ۳۰۲، ح ۸۸۲).

ی - ندای آسمانی؛ از نشانه‌های حتمی است که در سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله نیز بدان اشاره شده (همان، ص ۳۳۸، ح ۹۸۰ و طبرانی، ۱۴۰۴: ج ۱۷، ص ۳۲۵، ح ۸۹۹)؛ مضمون ندا معرفی مهدی است (همان، ص ۳۴۰، ح ۹۸۵).

ک - قتل نفس زکیه؛ در روایاتی بدون آن که این سخن به پیامبر صلی الله علیه و آله مستند شود، به این نشانه اشاره شده است (همان، ج ۱، ص ۳۳۹، ح ۹۸۱ و ص ۳۲۴، ح ۹۲۵).

بنابراین، اگرچه در روایات پیامبر صلی الله علیه و آله به نشانه‌های حتمی اشاره شده است؛ باید توجه داشت این روایات بسیار اندک و برخی نیز از کتابی با اعتبار قابل تأمل، مانند القتن نقل شده است.

۲. امیر مؤمنان علیه السلام:

پس از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله امیر مؤمنان علیه السلام نیز در زمینه نشانه‌ها سخنان ارزشمندی بیان فرموده‌اند.

موضوعاتی مانند خروج دجال (کلینی، ۱۳۶۵: ج ۸، ص ۲۹۶، ح ۴۵۶)؛ مرگ سرخ و مرگ سفید (نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۲۸۶، ح ۶۱)؛ ندای آسمانی (مروزی، ۱۴۱۴: ج ۱، ص ۳۳۴، ح ۹۶۵)؛ خروج سفیانی (همان، ص ۳۳۹، ح ۲۲۸۹۸)؛ خسف به بیداء (همان، ص ۳۳۹، ح ۹۸۳) و پرچم‌های سیاه (همان، ص ۳۴۴، ح ۹۹۶).

نکته برجسته این‌که از حدود ۴۰ روایت که در بخش سخنان امام علی علیه السلام آورده شده، بیش از نصف روایات از منابع اهل سنت و به طور خاص، حدود نوزده روایت از کتاب الفتن نقل شده است.

چنانچه بر اساس دیدگاه عدم اعتبار کتاب الفتن، به روایات نشانه‌های حتمی از امام علی علیه السلام اشاره کنیم، به دلیل این‌که نشانه‌های حتمی فقط از این کتاب نقل شده است، هیچ‌یک از روایات قابل قبول نخواهد بود.

۳. امام مجتبی علیه السلام:

از امام مجتبی علیه السلام جز یک روایت، آن هم در بحث دجال روایتی در بحث نشانه‌ها نقل نشده است (علی بن ابراهیم قمی، ۱۴۰۴: ج ۲، ص ۲۶۸-۲۷۲).
از آن‌جا که خروج دجال در شمار نشانه‌های حتمی ظهور نیامده است، می‌توان گفت در روایات مربوط به امام مجتبی علیه السلام به هیچ‌یک از نشانه‌های حتمی اشاره نشده است.

۴. امام حسین علیه السلام:

از امام حسین علیه السلام روایتی در باره نشانه‌ها در دست نیست.

۵. امام سجاد علیه السلام:

از امام سجاد علیه السلام دو روایت در نشانه‌ها نقل شده است. روایتی در باره خروج سفیانی (حمیری، بی‌تا: ص ۱۶۴-۱۶۵) و خروج عوف سلمی و شعیب بن صالح (شیخ طوسی، ۱۴۱۱: ص ۴۴۳-۴۴۴، ح ۴۳۷).

از این شمار روایات، فقط به خروج سفیانی اشاره شده و دیگر نشانه‌های حتمی بیان نشده است.

۶. امامین صادقین علیهما السلام

در زمینه نشانه‌ها، از امامین صادقین علیهما السلام روایات گسترده و فراوانی نقل شده است. از امام باقر علیه السلام حدود ۴۲ روایت آمده که ۱۲ روایت آن از کتاب الفتن نعیم بن حماد و ۱۳ روایت از الغیبه نعمانی نقل شده است.

از موضوعات روایات امام باقر علیه السلام در بحث نشانه‌ها، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: اختلاف بنی‌امیه (نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۲۷۰، ج ۲۲)؛ ندای آسمانی (همان)؛ خروج سفیانی (همان، ص ۱۷۷، ج ۷)؛ خروج یمانی (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۱، ص ۳۲۷، ج ۷)؛ خسف بیداء (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۵۲، ص ۳۰۵، ج ۷۸)؛ خروج خراسانی (نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۲۶۲، ج ۱۳)؛ خروج الشیبسانی (همان، ص ۳۱۳، ج ۸) و روایات سود (مروزی، ۱۴۱۴: ج ۱، ص ۳۱۴، ج ۹۰۹).

از امام صادق علیه السلام در بحث مذکور بر اساس کتاب معجم احادیث الامام المهدي علیه السلام حدود ۷۶ روایت صادر شده است که به طور عمده در منابع روایی مانند الغیبه نعمانی با ۳۰ روایت، الغیبه طوسی با ۱۲ روایت و دیگر منابع ملاحظه می‌شود.

نشانه‌هایی که در سخنان این امام به چشم می‌آید، موضوعاتی است مانند خروج سفیانی (کلینی، ۱۳۶۵: ج ۸، ص ۲۶۴، ج ۳۸۱؛ نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۱۷۷، ج ۷ و کلینی، ۱۳۶۵: ج ۸، ص ۳۳۱، ج ۵۰۹)؛ مرگ سرخ و مرگ سفید در آستانه قیام قائم علیه السلام (شیخ صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۶۵۵، ج ۲۷)؛ مرگ و میر فراوان (همان، ج ۲، ص ۶۵۵-۶۵۶، ج ۲۹ و نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۲۸۲-۲۸۳، ج ۵۴)؛ مرگ عبد الله در آستانه ظهور (شیخ طوسی، ۱۴۱۱: ص ۴۴۷، ج ۴۴۵)؛ قتل نفس زکیه، خسف به بیداء، دستی در آسمان (نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۲۶۱-۲۶۲، ج ۱۱)؛ نداء (همان، ص ۲۶۵، ج ۱۵؛ ص ۲۶۹، ج ۲۱؛ ص ۱۸۶-۱۸۷، ج ۲۹؛ ص ۲۷۱-۲۷۲، ج ۲۵؛ ص ۲۸۷، ج ۶۴؛ شیخ صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۶۵۰، ج ۸) هلاکت عباسی (نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۲۶۹، ج ۲۱)؛ خورشیدگرفتگی (شیخ صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۶۵۵، ج ۲۸ و نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۲۸۰، ج ۴۷)؛ ماه گرفتگی (طبری، ۱۴۱۳: ص ۲۵۹)؛ خروج خراسانی (نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۳۰۱، ج ۶)؛ خروج خراسانی، خروج یمانی (همان، ۱۳۹۷: ص ۳۱۷، ج ۱۵) و اختلاف بنی عباس (کلینی، ۱۳۶۵: ج ۸، ص ۲۲۴-۲۲۵، ج ۲۸۵).



با توجه به آنچه اشاره شد، حدود ۱۲۰ روایت در بیان امامین صادقین علیهم‌السلام را می‌توان به اهتمام ایشان در نقل روایات تفسیر کرد. ضمن این‌که در روایات این دو بزرگوار، گونه‌ها و گسترهٔ بیش‌تری از نشانه‌ها، به نسبت در روایات معصومان دیگر دیده می‌شود.

۷. امام کاظم علیه‌السلام

از امام کاظم علیه‌السلام فقط یک روایت در بحث نشانه‌ها آن هم در زمینه خروج سفیانی نقل شده است (نعمانی، ۱۳۹۷؛ ص ۳۱۴، ح ۹۰۹).

۸. امام رضا علیه‌السلام

در بحث نشانه‌ها، پنج روایت از امام رضا علیه‌السلام بدین شرح نقل شده است: خروج دجال (صدوق، ۱۳۶۲؛ ص ۱۴) خروج سفیانی و الیمانی و المروانی و شعیب بن صالح (نعمانی، ۱۳۹۷؛ ص ۲۶۲، ح ۱۲)؛ خروج حسنی و سفیانی (بحرانی، بی تا، ج ۲، ص ۵۶، ح ۸۰) و ندای آسمانی (مسعودی، ۱۴۱۷؛ ص ۲۲۷).

۹. امامین عسکریین: به طور اساسی در زمینه نشانه‌ها حدیثی نقل نشده است.

۱۰. امام مهدی علیه‌السلام

به نظر می‌رسد پس از امام رضا علیه‌السلام، سخنی در باره نشانه‌ها جر آنچه در آخرین توقیع از امام مهدی علیه‌السلام صادر شده، بیان نشده است. آنچه گزارش شد، شمار روایات نشانه‌ها از معصومان علیهم‌السلام بر اساس منابع موجود بود که البته اعتبار آن‌ها به بررسی منابع و اسناد این روایات منوط خواهد بود.

تبارشناسی نشانه‌ها در تدوین روایات

به نظر می‌رسد نخستین گام در نقل گستردهٔ روایات نشانه‌های ظهور (بدون هیچ‌گونه توجهی به اعتبار روایات نقل شده) در کتاب الفتن نعیم بن حماد مروزی (متوفای ۲۲۹ق)، از منابع اهل سنت^۱ برداشته شده است در میان منابع روایی شیعی، افزون بر منابع عمومی برخی

۱. یکی از پژوهشگران معاصر ذیل عنوان «الفتن ابن حماد، قدیمی‌ترین کتاب در مهدویت»، به تفصیل درباره کتاب و مؤلف آن سخن به میان آورده است. وی نخست با بررسی پیشینه کتاب‌های فتن به

کتاب‌های ویژه نقل روایات مهدویت (الغیبه ابن ابی زینب نعمانی، کمال الدین و تمام النعمه شیخ صدوق و کتاب الغیبه شیخ طوسی) به این روایات پرداخته‌اند.

بررسی منابع این روایات در هر دوره، گویای آن است که نقل روایات نشانه‌ها در منابع روایی شیعه، دست‌خوش برخی دگرگونی‌ها در روایات و احیاناً افزایش، در هر دوره نسبت به دوره پیشین شده است.

این افزایش، لزوماً به معنای جعلی بودن همه افزوده‌ها نیست؛ اما دست‌کم تردیدهایی را در زمینه اعتبار آن‌ها پدید آورده. و البته بررسی‌ها، از جعل برخی روایات در دوره‌های بعدی حکایت دارد (ر.ک: آیتی، ۱۳۹۰: ص ۱۲).

در ادامه به صورت گذرا به منابع و شمار روایاتی که در باره نشانه‌ها نقل شده است، اشاره می‌شود.

آنچه را از منابع در بحث نشانه‌ها امروزه در دسترس است، می‌توان در دو گروه کلی «منابع روایی» و «منابع تحلیلی» تقسیم کرد. مقاله پیش رو تنها به منابع روایی می‌پردازد؛ منابع تحلیلی مجال دیگری می‌طلبد. منابع روایی نیز در چهار گروه قابل بررسی است: اصول حدیث؛ جوامع اولیه؛ جوامع ثانویه و منابع معاصر.

۱. منابع روایی

۱-۱. اصول حدیث

با پافشاری پیامبر و معصومان علیهم‌السلام بر نگهداری و نگارش حدیث، شیعه به رغم اوضاع نابسامان در نقل نوشتاری حدیث، در سامان‌دهی به مکتوبات حدیثی خود سعی وافری داشت و در پرتو این تلاش‌های بی‌وقفه، آثار ارزشمندی پدید آمد که بخشی از آن با عنوان «اصول» شهرت یافت (سبحانی، ۱۳۶۶: ص ۴۶۰؛ مدیرشانه‌چی، ۱۳۶۲: ص ۷۲؛ کلانتری، پاییز و زمستان ۱۳۷۹، ش ۲۵ و ۲۶، ص ۳۰۴).

برخی از آن‌ها اشاره کرده؛ آن‌گاه به معرفی نویسنده و دیدگاه‌های گوناگون در باره وی و سرانجام در باره کتاب و اعتبار آن مطالبی را نگاشته است. (مصطفی صادقی، الفتن ابن حماد قدیمی ترین کتاب در مهدویت؛ فصلنامه آینه پژوهش، شماره ۸۴، ص ۵۵-۴۶).

این اصول که به انگیزه‌های گوناگونی نگارش یافت، متناسب با آن انگیزه‌ها، به گردآوری روایات پرداخت. در میان این روایات، برخی روایات اعتقادی و از جمله مربوط به بحث مهدویت دیده می‌شود.

اگرچه در آموزه‌های مهدویت، گوناگونی گسترده‌ای به چشم می‌خورد؛ با توجه به محدودبودن آن‌ها، انتظار پرداختن همه‌جانبه به همه آن‌ها ناپجا است.

بر اساس بررسی‌ها، شمار روایات نشانه‌های ظهور در اصولی که به دست ما رسیده، بسیار اندک است و این که شمار این روایات در مابقی اصول چه مقدار بوده، نمی‌توان به صورت معتبر ادعایی کرد، مگر این که در یک بررسی فراگیر، روایاتی که از این اصول به منابع پس از آن وارد شده است؛ بررسی شود.

در میان اصول یادشده، فقط پنج اصل (أبی سعید عباد عصفری، کتاب زید نرسی، محمدبن مثنیٰ حضرمی، درست بن أبی منصور واسطی و زید زراد) در مهدویت روایت نقل کرده‌اند و بین این پنج اصل فقط اصل حضرمی در بحث نشانه‌ها، در دو روایت، به دجال و سفیانی اشاره کرده است.

تأکید می‌شود اشاره به فقط یک نشانه در اصول در دست، به معنای تعمیم آن به همه اصول و نشانه‌ها نیست، بلکه این احتمال وجود دارد که در اصولی که به دست ما نرسیده است، شمار قابل توجهی از نشانه‌ها نقل شده باشد.

به هر جهت، نبود روایات نشانه‌ها در این مقدار از اصول باقی‌مانده (شانزده اصل) نیز می‌تواند تا حدودی به میزان جایگاه آن‌ها در دوران تدوین این آثار اشاره داشته باشد.

۲-۱. جوامع اولیه

جوامع اولیه و برخی منابع روایی که به‌طور عمده به پنج قرن نخست مربوط است، در نقل روایات مربوط به نشانه‌ها به دو دسته تقسیم می‌شوند: نخست آثاری که به روایات نشانه‌ها هیچ‌گونه اشاره‌ای نکرده‌اند که می‌تواند دلایل گوناگونی داشته باشد؛ مانند انگیزه و هدف نگارش کتاب که به‌طور اساسی عهده‌دار نقل روایات نشانه‌ها نیست و یا این که نقل آن‌ها در دوره نگارش اثر بایستگی چندانی نداشته است.

در میان آثار در دست، کتاب (منسوب به) سلیم بن قیس هلالی، با وجود نقل بیش از ده

روایت مهدوی، هیچ روایتی در باره نشانه‌ها نقل نکرده است.^۱ پس از آن بصائر الدرجات است، نوشته ابو جعفر، محمد بن حسن بن فروخ صفار (متوفای/۲۹۰ ق) از اصحاب امام حسن عسکری علیه السلام و یکی از شخصیت‌های بزرگ شیعه و از راویان بزرگ حدیث، به عنوان یکی از اصول قدمای شیعه در بین ۲۹ روایت مهدوی فقط دو روایت درباره نشانه‌ها و آن هم به دجال اشاره کرده است (صفار قمی، ۱۴۰۴: ص ۱۴۱ و ۲۹۷).

نبود روایات نشانه‌ها در این آثار، می‌تواند حاکی از نوع نگاه نگارندگان و نیز میزان نیاز مخاطبان این آثار در این دوران باشد.

از دیگر آثاری که به نقل روایات نشانه‌های ظهور پرداخته الکافی است، اثر ابو جعفر، محمد بن یعقوب کلینی رازی (متوفای ۳۲۹ ق) که بر پایه بررسی‌های انجام‌شده، در مجموعه کتاب الکافی (اصول، فروع و روضه) حدود یکصد و نود روایت در موضوعات گوناگون مهدویت است که نه روایت در باره نشانه‌های قیام حضرت مهدی علیه السلام است که با توجه به جامعیت کتاب کافی، تأمل برانگیز است؛ به‌ویژه این که این شمار روایات نیز فقط در روضه کافی نقل شده، نه در اصول و فروع که از برجستگی بیش‌تری برخوردارند.

از نشانه‌هایی که در این کتاب یادشده، می‌توان به ندای آسمانی (کلینی؛ ۱۳۶۵: ج ۸، ص ۲۰۹، ج ۲۵۲، ص ۳۱۰، ج ۴۸۳)؛ خروج سفیانی (همان، ج ۸، ص ۲۰۹، ج ۲۵۴؛ ص ۲۶۴، ج ۳۸۱ و ۳۸۳؛ ص ۲۷۷، ج ۴۱۲؛ و ص ۴۳۱، ج ۵۰۹)؛ خسوف و کسوف نابه‌هنگام (همان، ج ۸، ص ۲۱۲، ج ۲۵۸)؛ ظهور شامی، یمانی و حسنی (همان، ج ۸، ص ۲۲۴، ج ۲۸۵)؛ خروج دجال (همان، ج ۸، ص ۲۹۶) اشاره کرد: در یک روایت، به پنج نشانه مشهور (همان، ج ۸، ص ۳۱۰، ج ۴۸۳) و در روایتی به اختلاف بنی‌عباس و ندای آسمانی در ردیف قیام قائم علیه السلام (همان، ج ۸، ص ۳۱۰).

شمار بسیار اندک روایات مربوط به نشانه‌ها در این کتاب، به عنوان یکی از اساسی‌ترین منابع روایی شیعه، اگرچه دارای این پاسخ است که انگیزه نگارش این اثر مناسب نقل این‌گونه روایات نبوده؛ در عین حال، شمار روایات مهدوی در این مجموعه، این مطالبه را که

۱. گرچه وثوق کتاب سلیم، مورد انتقاداتی قرار گرفته است؛ بررسی دقیق محتوای آن نشان می‌دهد که نویسندگانی چون کلینی در کافی، مسعودی در التنبیه و مفید در ارشاد و نعمانی در الغیبه آن را به عنوان مأخذی مورد توجه قرار داده‌اند.

اگر روایات معتبری در بحث نشانه‌ها در دست بوده می‌بایست نقل می‌شد؛ جدی می‌نماید. پس از کتاب‌های یادشده، نخستین منبع روایی شیعه که به صورت نسبتاً گسترده‌ای به نقل این روایات پرداخته، الغیبه، نوشته ابو عبدالله محمد بن ابراهیم بن جعفر کاتب نعمانی، مشهور به ابن ابی زینب (ابن زینب)، از روایان و دانشمندان شیعه در اوایل قرن چهارم هجری است.

کتاب الغیبه به طور دقیق و بر اساس شماره گذاری غیر مسلسل ابواب گوناگون این کتاب دارای ۴۷۸ روایت است. از این شمار، بحث نشانه‌های ظهور حدود ۸۶ روایت (حدود یک پنجم) را به خود اختصاص داده که ۶۸ عدد از آن‌ها در باب ۱۴ با عنوان «ما جاء فی العلامات الّتی تکون قبل قیام القائم و یدل علی ان ظهوره یکون بعدها کما قالت الائمة» آمده است و هیجده روایت دیگر در باب ۱۸ با عنوان «ما جاء فی ذکر السفینی و ان امره من المحتوم و انه قبل قیام القائم» ملاحظه می‌شود. در بخش‌های دیگر نیز احادیث اندکی درباره نشانه‌های ظهور وجود دارد (صادقی، ۱۳۸۵: ص ۲۸).

این شمار روایات در یک کتاب و نسبت آن به روایات مندرج در آن، امری بی‌سابقه است که نخستین بار در این اثر آمده است و می‌توان این کار را آغازی بر اهتمام آثار پس از این کتاب، بر نقل روایات نشانه‌ها دانست.

از دیگر منابع نقل روایات نشانه‌ها، کمال الدین و تمام النعمه، اثر ابو جعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی (متوفای ۳۸۱ ق) است با حدود ۶۵۸ حدیث که در شمار اندکی از آن روایات نشانه‌های ظهور مهدی علیه السلام است.

اگر چه برخی روایات نشانه‌ها در باب‌های گوناگون ذکر شده (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۱، ص ۲۵۰، ح ۱؛ ص ۳۲۷، ح ۷ و ص ۳۳۰، ح ۱۶)؛ تمرکز این روایات در باب ۵۷ با نام «باب ما روی فی علامات خروج القائم علیه السلام» است و در آن ۲۹ روایت ملاحظه می‌شود (همان، ج ۲، ص ۶۴۹) که با افزودن روایات در باب‌های دیگر بیش از بر پنجاه روایت خواهد شد.

شیخ صدوق در برخی دیگر از آثار خود به نقل روایات مهدویت و در میان آن‌ها نشانه‌ها پرداخته است. از این آثار می‌توان به عیون أخبار الرضا علیه السلام اشاره کرد که در آن افزون بر زندگی‌نامه امام رضا علیه السلام سخنان و نیز روایاتی را که از آن حضرت نقل شده؛ گردآوری کرده است.



در این کتاب از حدود سی و چهار روایت مهدوی، فقط در سه روایت به برخی نشانه‌های ظهور (همان، ج ۱، ص ۳۱۰ و ج ۲، ص ۷ و ۴۷) اشاره شده است.

با سپری شدن این دوران الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، اثر ابو عبدالله محمد بن محمد بن نعمان عکبری بغدادی، معروف به شیخ مفید (متوفای ۴۱۳ ق) را می‌توان به عنوان نقطه عطفی در نقل مضمون روایات نشانه‌ها دانست.

در این کتاب، ده‌ها پدیده و شخصیت و مانند آن در شمار نشانه‌های ظهور دانسته شده که برخی به نشانه‌های آخرالزمان، برخی نشانه‌های قیامت و یا ملاحم و فتن مربوط است.

شیخ مفید بدون اهتمام به میزان اعتبار روایات، روایات نشانه‌ها را در بخش پایانی کتاب مذکور گردآورده است^۱ وی نخست بدون اشاره به روایتی خاص ده‌ها شخص و اتفاق را از نشانه‌های ظهور معرفی کرده است (شیخ مفید، ۱۴۱۳: ج ۲، ص ۳۶۸) سپس نزدیک ۲۰ روایت نقل کرده که در آن‌ها بین نشانه‌های آخرالزمان، قیامت و ظهور خلط شده است.

از این زمان، افزون بر نقل خود روایات، شاهد نقل مضمون و محتوای روایات نشانه‌ها در میان مردم و منابع روایی هستیم. به عنوان نمونه کتاب الغیبه للحجة در جایگاه سومین کتاب ویژه نقل روایات مهدویت پس از الغیبه نعمانی و کمال‌الدین صدوق، از میان نزدیک به پانصد روایت این کتاب (که حدود ۲۶۶ روایت به‌طور مستقیم به مهدویت ارتباط دارد) ۶۰ روایت در بخش نشانه‌های ظهور در فصل هفتم کتاب با عنوان، «ذکر طرف من العلامات الکائنة قبل خروجه ﷺ» نقل شده که البته شماری از آن‌ها از غیر معصوم و نیز شماری از روایات، از منابع یا راویان اهل سنت نقل شده است.

گفتنی است شیخ طوسی در کتاب امالی خود، بیست روایت مهدوی نقل کرده که دو روایت آن درباره نشانه‌ها و به‌طور مشخص در باره سفیانی است (طوسی، ۱۴۱۴: ص ۶۷۹).

از دیگر آثار در نقل روایات نشانه‌ها به دلائل الإمامة^۲ نوشته ابو جعفر، محمد بن جریر بن رستم طبری می‌توان اشاره کرد.

۱. ر.ک: نعمت الله صفری فروشانی، الارشاد و تاریخ نگاری زندگی ائمه علیهم السلام، فصلنامه شیعه شناسی، سال ششم، شماره ۲۲، ص ۷۷ - ۳۷.

۲. علامه مجلسی کتابی را به محمد بن جریر بن رستم طبری با نام «الدلائل فی الامامه» نسبت داده که ممکن است همین کتاب باشد که در این صورت نام کتاب «الدلائل» خواهد بود. (مجلسی، ۱۴۰۴: ۴۰۰)

این کتاب افزون بر یکصد و سی روایت مهدوی را در خود جای داده، که دوازده روایت آن در موضوع نشانه‌های ظهور است.

الخرائج و الجرائح، اثر قطب الدین راوندی، از دیگر آثار است که در ضمن نقل روایات مهدویت به نقل برخی روایات نشانه‌ها پرداخته است.

از نزدیک یکصد و پنجاه روایت مهدویت در کتاب مذکور، حدود ۲۴ روایت که شمار قابل توجهی است، به نشانه‌ها اختصاص یافته است.

یکی از کتاب‌هایی که شمار فراوانی از روایات مهدویت را نقل کرده،^۱ کشف الغمّة فی معرفة الائمه علیهم‌السلام (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۱، ص ۲۸)، اثر علی بن عیسیٰ اربلی، از علمای قرن هفتم هجری (متوفای ۶۹۲ ق) است که در موضوع زندگی‌نامه و فضایل پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت آن حضرت علیهم‌السلام نگارش یافته است (مقدمه کتاب، به قلم جعفر سبحانی، ص ۹). نشانه‌های ظهور با بیست و پنج روایت (اربلی، ۱۳۸۱: ص ۴۵۹، ۴۶۲ و ۴۷۹) در این کتاب، نسبت به منابع پیشین، نشان از اهتمام به نقل روایات نشانه‌ها دارد.

به نظر می‌رسد برخی روایات اهل سنت (قزوینی، بی‌تا: ج ۲، ص ۱۳۶۸؛ مقدسی، ۱۴۱۶: ص ۱۲۵ و ابن خلدون، بی‌تا: ج ۱، ص ۳۲۱)؛ از طریق این کتاب به منابع شیعه راه یافته است (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۵۱، ص ۸۷).

با توجه به بررسی منابع یادشده، به روشنی می‌توان گفت نقل روایات نشانه‌ها فراز و فرودهای پدیده‌ای را پشت سر نهاده است. برخی بر پایه انگیزه‌هایی به نقل این روایات اقدام کرده و برخی به انگیزه‌ها و دلایلی روایات را نقل نکرده‌اند. تفاوت در شمار روایات نقل‌شده در این آثار، گویای این ادعاست.

گفتنی است این اهتمام می‌تواند به عواملی برجسته پیوند خورده باشد که تحلیل آن‌ها کاری گسترده و اساسی است؛ مانند علمیت، تخصص و گرایش‌های مذهبی و قومی مؤلف و

....

ج ۹۵، ص ۳۵۵) و مرحوم آیت الله خویی نیز نام دلایل الائمه را احتمال دوم در کنار نام دلایل الامامه ذکر کرده است. (خوئی، ۱۴۱۰: ج ۱۶، ص ۱۵۸).
۱. در مجموع، روایات مهدویت این اثر نزدیک دویست روایت - شماری معادل روایات مهدویت کتاب الکافی کلینی است که خود در خور دقت و توجه است.

نیز انگیزه‌های نقل روایت، مانند ذهنیت جامعه نسبت به این موضوع و نیاز و علاقه مخاطبان به نقل این روایات.

اگرچه بر پایه عنوان نوشتار، تمرکز بحث بر اصول حدیث و جوامع نخستین روایی و تطبیق آثار روایی معاصر آن است؛ اشاره به جوامع ثانویه که بیش تر برآمده از نقل‌های پیشین است و نیز گردآمده‌های معاصر که برآیند همه نقل‌های پیش از خود است، می‌تواند در کنار تکمیل بررسی اجمالی این چرخه، روشنگری‌هایی را نیز در پیوند با برخی روایات ساختگی قرار دهد.

از این رو به اجمال به این دو عرصه نیز اشاره کرده؛ تبیین گسترده آن را در پژوهشی فراگیر نوید می‌دهیم.

۳-۱. جوامع ثانویه

پس از یک دوره رکود نسبی (حدود شش قرن) در تدوین منابع روایی، با روی کار آمدن دولت صفویه در ایران و با شدت گرفتن حرکت اخباری در میانه این دوره تاریخی، موج جدیدی از نگارش حدیث امامی آغاز شد که باید آن را «جوامع ثانویه» نام نهاد. رویکرد مشترک این آثار «جمع‌نویسی» و ویژگی مشترکشان «حجم گسترده» است.

این آثار که به‌طور عمده و در دوره تکمیل و تنظیم جوامع حدیثی شیعه پدید آمد، گردآوری روایی از جوامع اولیه و برخی آثار دیگر با هدف نگهداری آن‌ها از نابودی است.

از مهم‌ترین این جوامع می‌توان به آثار زیر اشاره کرد:

الف) تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعة، اثر محمدبن حسن حر عاملی (متوفای ۱۱۰۴ق) از مهم‌ترین آثار این دوره است که اگرچه در آن، روایات فقهی برگرفته از کتب اربعه و ۷۰ کتاب دیگر آمده؛ به مناسبت، به برخی روایات مهدویت و نشانه‌ها نیز اشاره شده است.

این کتاب، در مجموع دارای ۳۵۸۵۰ روایت است. او این کتاب را طی ۱۸ یا ۲۰ سال گرد آورده و پایان نگارش آن سال ۱۰۸۲ هجری بوده است.

این کتاب به مناسبت‌هایی به نقل روایات مهدویت پرداخته است.

ب) بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم‌السلام، اثر محمد باقر مجلسی (متوفای ۱۱۱۱ق) در بر دارنده روایات معصومان علیهم‌السلام، فراگیرترین و گسترده‌ترین کتاب

روایی است که تاریخ تشیع به خود دیده و از روز نگارش تا امروز مورد اقبال و استفاده دانشمندان و محافل علمی و مورد ستایش بسیاری از بزرگان قرار گرفته است.

بی‌گمان کتاب بحار الانوار در نقل روایات نشانه‌های ظهور، به‌ویژه در جلد‌های مربوط به روایات مهدویت (مجلسی، ۱۴۰۴: ۴، ج ۵۱-۵۳) گسترده‌ترین مجموعه در نقل روایات نشانه‌ها به شمار می‌آید. این کتاب در کنار نقل روایات از منابع پیشین شناخته‌شده، برخی روایات را از شماری منابع ناشناس نقل کرده و لذا این احتمال را تقویت می‌کند که بخشی از این منابع در دوران مرحوم مجلسی وجود داشته و پس از آن از بین رفته است.

۳. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، اثر میرزا حسین نوری (متوفای ۱۳۲۰ق) است که در آن نویسنده، شمار فراوانی از روایات را که در وسائل الشیعه نقل نشده، گردآوری کرده است. کتاب مستدرک دربرگیرنده ۵۴۲۱ باب و ۲۳۵۱۴ روایت است که نگارش آن در سال ۱۳۱۹ هجری به پایان رسیده است.

د) افزون بر جوامع یادشده، می‌توان به آثاری مانند الوافی، اشاره کرد. این کتاب اثر فیض کاشانی است که به زبان عربی نگاشته شده است.

کتاب الوافی، دارای یک مقدمه و چهارده کتاب و یک خاتمه است. این کتاب، مشتمل بر تمام احادیث موجود در کتب اربعه شیعه (الکافی، من لایحضره الفقیه، التهذیب و الاستبصار) است.

گفتنی است آثار دیگری نیز مربوط به این دوره در دست است که به جهت نپرداختن به روایات نشانه‌ها از بررسی آن‌ها صرف‌نظر می‌شود.

۴-۱. منابع معاصر

برجستگی بررسی این آثار بیش‌تر به سبب نقل انبوه روایات نشانه‌ها در این آثار است؛ به‌ویژه آن که این آثار امروزه، بیش‌تر از آثار دوره‌های گذشته در دسترس بوده؛ تأثیر فراوانی بر نوشته‌ها و گفته‌های دوران معاصر داشته و دارد و ناگزیر آسیب‌های فراوان و جبران‌ناپذیری را نیز به دنبال داشته است (ر.ک: صادقی، ۱۳۸۵: ص ۶۵). برخی از آثار از این قرارند:

الف) النجم الثاقب در احوال امام غایب علیه السلام، نوشته میرزا حسین نوری (متوفای ۱۳۲۰ق) که به سفارش میرزای بزرگ شیرازی (نوری طبرسی، ۱۳۷۷: ج ۱، ص ۱۱۶)؛ در شرح‌حال و

زندگی‌نامه امام مهدی علیه السلام در دوازده باب به نگارش درآمده است.^۱

از ویژگی‌های این کتاب نقل برخی روایات شگفت‌آور از آثاری چون هدایة الکبریٰ خصیبه، اثبات الوصیه مسعودی (همان، ص ۱۵۴)؛ مشارق الانوار، حافظ برسی (همان، ج ۱، ص ۱۴۹)؛ دلائل الامامه طبری، الاحتجاج طبرسی، مختصر بصائر الدرجات، و مانند آن است. تاریخ نگارش کتاب، بر اساس تاریخ مندرج در پایان کتاب ۱۴ ماه ذیقعده ۱۳۰۲ ق، در سامرا است (همان، ج ۲، ص ۵۷۰). البته نکته قابل تأمل این‌که نویسنده در مقدمه، زمان پیشنهاد نگارش این اثر را ۱۳۰۳ ق. ذکر کرده است (همان، ج ۱، ص ۱۱۶)؛ که به نظر می‌رسد سهوی صورت گرفته باشد.

شمار روایات نشانه‌ها در این کتاب فراتر از روال عادی است و این خود گویای اهتمام ویژه نویسنده به این موضوع است که نیازمند پژوهشی استوار و مستقل است.

ب) الزام الناصب فی إثبات الحجة الغائب علیه السلام، نوشته شیخ علی بن زین العابدین پارچینی یزدی حایری (متوفای ۱۳۳۳ ق) در شرح احوال امام زمان علیه السلام و اثبات وجود آن حضرت، فضایل امامان دوازده‌گانه و شرح غیبت صغرا و کبرای آن امام و نیایان خاصشان، علایم ظهور او و رویدادهای پس از ظهور.^۲

از نکات قابل تأمل این کتاب برخی از سخنانی است که پیش از آن در هیچ‌یک از منابع در دست نقل نشده است؛ مانند روایتی که مضمون ندای آسمانی را این‌گونه نقل کرده است: **ألا یا أهل العالم هذا مهدی آل محمد علیهم السلام، بايعوه تهتدوا، ای اهل عالم! این است مهدی با او بیعت کنید تا هدایت شوید.** (یزدی حایری، ۱۴۲۲: ج ۱، ص ۱۴۲).

۱. این کتاب در دوران معاصر به عنوان منبع برای ده‌ها کتاب (چه در متن کتاب و چه برای تحقیق آن) مورد استفاده قرار گرفته است. کتاب‌هایی مانند کفایة المهتدی فی معرفة المهتدی علیه السلام نوشته محمد بن محمد میرلوحی سبزواری؛ دار السلام در احوالات حضرت مهدی علیه السلام نوشته محمود بن جعفر عراقی؛ مکمال المکارم در فوائد دعا برای حضرت قائم علیه السلام، نوشته محمد تقی اصفهانی؛ العبقری الحسان، اثر علی اکبر نهاوندی؛ و میر مهر جلوه‌های محبت امام زمان علیه السلام، اثر مسعود پورسید آقایی.
۲. گفتی است که این کتاب نیز به صورت گسترده‌ای در کتاب‌های پس از خود نقش داشته و امروزه به عنوان منبع در بسیاری از آثار مهدوی از آن نقل شده است. برخی از این کتب عبارتند از: مکمال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم علیه السلام، نوشته محمد تقی اصفهانی؛ العبقری الحسان، اثر علی اکبر نهاوندی؛ و مهدی منتظر علیه السلام، نوشته محمد جواد خراسانی.

این کتاب به دلیل نقل شمار قابل توجهی از روایات نشانه‌ها، از جمله آثاری است که نیازمند کاوشی ژرف و گسترده است.

ج) بشارة الإسلام فی علامات المهدی علیه السلام به قلم سید مصطفی کاظمی (متوفای ۱۳۳۶ق)^۱ و با تحقیق نزار نعمت الحسن که در سال (۱۴۲۵ق) منتشر شده است. نویسنده بر پایه آنچه در مقدمه بیان کرده انگیزه نگارش را تدوین کتابی مفید برای علاقه‌مندان دانسته است. وی در جزء نخست به مباحث مربوط به نشانه‌های ظهور (فهو فی علامات ظهور الإمام) پرداخته و در جزء دوم به موضوعات مربوط به پرچم، شمار یاران و سیره عملی آن حضرت (فی رایته و عدد أصحابه و سیرته) اشاره کرده است (همان، ص ۱۱). از نکات قابل تأمل در باره نویسنده و کتاب این‌که وی در هیچ‌یک از منابع معتبر توصیف نشده (همان، ص ۹) و مطالبی از برخی آثار مانند خطبة الافتخار (همان، ص ۹۱) و نیز خطبة الیبیان (همان، ص ۹۳)، بدون ارزیابی سند و محتوا نقل کرده و در باب پانزدهم با نام «فیما ورد عن الكهنة و الاحبار» به نقل روایاتی از بزرگان یهود و مسیحیت مانند کعب الاحبار (همان، ص ۲۲۳)؛ پرداخته است.^۲

د) کتاب نواب الدهور فی علائم الظهور؛ یکی از گسترده‌ترین آثار در دوران معاصر درباره نشانه‌های ظهور و نوشته سید حسن میرجهانی است که در چهار جلد و دو مجلد به چاپ رسیده است.

این کتاب مجموعه‌ای است روایی - تاریخی با حدود چهار صد و هشتاد و چهار علامت در بیان نشانه‌های آخر الزمان، ظهور و قیام حضرت مهدی موعود علیه السلام و فتنه‌ها و آشوب‌هایی که در آن مرحله به وقوع خواهند پیوست.

۱. روایات این کتاب در دوران معاصر در بسیاری از کتاب‌ها نقل شده است، مانند کتاب الإمام المهدی علیه السلام و الیوم الموعود نوشته خلیل رزق؛ الإمام المهدی علیه السلام فی الأحادیث المشتركة بین السنه و الشیعه، نوشته محمد امیر ناصری؛ زمینه سازان انقلاب جهانی حضرت مهدی علیه السلام، نوشته اسدالله هاشمی شهیدی، کتاب ذلک یوم الخروج: دراسة حول ظهور الإمام المهدی علیه السلام، نوشته حسین مدرسی، و سیمای جهان در عصر امام زمان علیه السلام، نوشته محمد امینی گلستانی.

۲. این کتاب به جهت برخی روایات ضعیف و ساختگی دستاویزی برای مدعیان دروغین شده و در فضای مجازی رواج فراوانی یافته است. (نک: <http://vb.almahdyoon.org/showthread.php?t=9396>).

نویسنده برای آشنایی فارسی زبانان، پس از نوشتن دو اثر به نام‌های «لوامع النور فی علائم الظهور»، و «گنجینه سرور در علائم ظهور»، این اثر جامع را گردآوری کرده است. در این مجموعه، همه گونه مطالب و اخبار از کتاب‌ها - که به گونه‌ای به نشانه‌های آخرالزمان مربوط باشد - گردآوری شده و در ادامه هر حدیث، خطبه و یا مطلبی؛ لغات و مطالب مشکل آن توضیح داده شده است.

انبوه روایات نشانه‌ها، این اثر را بیش تر به یک معجم روایی شبیه ساخته تا یک منبع. از این رو می‌توان بهره از آن را در انحصار کارشناسان فن دانست و نه مردم عادی.

هـ) یوم الخلاص فی ظل القائم المهدی علیه السلام؛ یکی دیگر از کتاب‌های شناخته شده معاصر است که در سخنرانی‌ها، کتاب‌ها و مقالات فراوان به آن استناد می‌شود.^۱ این کتاب، اثر نویسنده جبل عاملی، کامل سلیمان، و ترجمه فارسی این کتاب با نام «روزگار رهایی» به قلم علی اکبر مهدی‌پور، است.

این کتاب در ۲۰ بخش سامان یافته؛ نیمه دوم کتاب، به اتفاقات نزدیک ظهور، قیام و حکومت حضرت، نشانه‌های آخر الزمان، صفات یاران و مخالفان وی و مباحث دیگر پرداخته است.

از نکات قابل تأمل در این کتاب نقل روایات فراوانی است که در کتاب‌های پیش از آن نیامده است؛ مانند نخستین روایت از کتاب بشاره الاسلام نقل شده است (سلیمان، ۱۴۲۷: ص ۵) که در هیچ‌یک از آثار معتبر، پیش از آن به این صورت نقل نشده است. (همان، ص ۲۲۴). از این رو، محقق این سخنان را فقط به برخی منابع معاصر، مانند کتاب منتخب الاثر، مستند کرده است.

یا آنچه در باره مردم بصره آورده است که هیچ کس از این دیار برای یاری مهدی علیه السلام خروج نخواهد کرد: «ما من بلدة الا یخرج منها معه طائفة الا اهل البصرة» (همان، ص ۲۵۵).

۱. برخی از آثاری که روایات پرشماری را از این کتاب نقل کرده‌اند، از این قرارند: آینده جهان نوشته رحیم کارگر؛ پرتوی از سیمای مهدویت در قرآن و حدیث، نوشته خیر الله مردانی، ذلک یوم الخروج: دراسة حول ظهور الإمام المهدی علیه السلام، نوشته حسین مدرسی؛ زمینه سازان انقلاب جهانی حضرت مهدی علیه السلام، اثر اسدالله هاشمی شهیدی؛ سیمای جهان در عصر امام زمان علیه السلام، نوشته محمد امینی گلستانی؛ و الفجر المقدس المهدی علیه السلام و أحداث سنة الظهور، مجتبی ساد.

در پایان یادآوری می‌شود گویا بر نقل روایات سست بر نویسنده خرده می‌گرفته‌اند؛ چراکه وی در پاسخ به کسانی که سخنان وی را نقد کرده‌اند؛ با اشاره به این که بسیاری خداوند را نیز رد کرده‌اند به این ایرادات پاسخ داده است: «فلیس الراد علیّ بمسیء الی بعد ان ردّ اکثر الناس علی الله». (همان، ص ۲۷).

(و بیان الاثمة للوقایع الغریبة و الاسرار العجیبة، نوشته محمد مهدی زین العابدین از کتاب‌هایی است که در دوران معاصر برخی روایات مهدویّت را نقل کرده و نقدهایی را در پی داشته است.^۱)

در پایان تأکید می‌شود:

یک. نقد این گونه آثار، هرگز به معنای متهم‌ساختن نگارندگان آن به جعل و وضع روایات نیست. اگرچه بررسی کارشناسانه آن نیز خالی از فائده نیست و نیز روایات در مظان اتهام به جعل در این منابع چندان اندک نیست.

دو. نقد این آثار هرگز سبب سست‌کردن پایه‌های مباحث بنیادین مهدویّت نخواهد بود، بلکه پیرایش این روایات سبب تقویت و استواری روایات معتبر و نیز بی‌اساس شدن برخی اتهامات مخالفان در این باره خواهد شد.

سه. افزون بر دستاویز شدن این گونه روایات سست برای مخالفان، در بین مردم عامی نیز آثار تخریبی فراوانی خواهد داشت؛ چه این که جایگزین معارف اساسی در ذهن آن‌ها شده، آن‌ها را از کسب معارف مطلوب دور خواهد کرد و گاهی سبب پدید آمدن جریان‌های انحرافی و ادعاهای دروغین می‌شود.

چهار. سرانجام این که رودررویی با این گونه آثار و نقد آن‌ها بسیار بهتر است تا این که در بین مخاطبان رواج یافته، آثار تخریبی خود را وارد سازد.

به نظر می‌رسد یکی از دلایلی که به رواج این گونه روایات ساختگی کمک کرده، بی‌توجهی برخی از بزرگان در برابر این جعل‌ها و نبود نقدهایی شایسته در باره این آثار بوده؛ به طوری که اگر مورد عتاب و سرزنش واقع می‌شدند، شاید وضع روایات این گونه نبود و البته

۱. سید جعفر مرتضی عاملی، ۱۴۲۴، بیان الأئمة و خطبة البیان فی المیزان، المرکز الإسلامی للدراسات، بیروت، ۱۴۲۴ق.

یکی از اموری که این‌گونه نقل‌ها را در حاشیه امن قرار داده است، اعتبار برخی از نویسندگان آثار است که سبب شده تا کسانی به نقد این آثار نپرداخته و یا ناقدان را سرزنش کنند. فراموش نشود بخش قابل توجهی از آنچه امروزه دستاویز معاندان و دشمنان اهل بیت علیهم‌السلام و نیز مدعیان دروغین می‌شود؛ همین اخبار سست و ساختگی است که بسیاری با اصول شیعه نیز همخوانی ندارد؛ به‌ویژه این که این تهمت بی‌پاسخ خواهد ماند که شیعه برای ادعاهای خود دست به جعل روایت می‌زند.

نتیجه گیری

بی‌گمان بحث نشانه‌های ظهور، به دلایلی مانند آمادگی برای اتفاق ظهور، همواره در سخنان پیشوایان معصوم علیهم‌السلام و علمای شیعه به چشم می‌خورد. این اهتمام البته حسب شرایط و به‌ویژه نیاز جامعه، فراز و فرودهایی را پشت سر گذاشته که تحلیل آن به تدوین هندسه کلی نشانه‌ها کمکی اساسی خواهد کرد.

- با توجه به بررسی منابع یادشده به روشنی می‌توان گفت تطور نقل روایات نشانه‌های ظهور همانند گاه صدور آن‌ها، فراز و فرودهای پر دامنه‌ای را پشت سر نهاده است. برخی بر پایه انگیزه‌هایی به نقل روایاتی اقدام کرده و برخی روایات را نقل نکرده‌اند. تفاوت در شمار روایات نقل شده در این آثار گویای این ادعاست.

- غیر از منابع ویژه نقل روایات مهدویت (الغیبه نعمانی، کمال الدین صدوق، الغیبه طوسی) شمار روایات نقل شده درباره نشانه‌ها، در بیش تر منابع روایی در حد انگشتان دو دست و گاهی کم تر است و این با ادعاهای امروزین برخی که شمار روایات نشانه‌ها را چندصد روایت می‌پندارند؛ همخوانی ندارد.

- برخی روایات نشانه‌ها، به‌طور ویژه فقط در یک منبع نقل شده و پیش و پس از آن در هیچ منبعی ذکر نشده است.

- گرایش‌های فردی مؤلفان و شرایط اجتماعی و برخی امور دیگر، در گزینش روایات نشانه‌ها و درج آن مؤثر بوده؛ به گونه‌ای که از میان روایات و موضوعات مهدوی گاهی به برخی موضوعات و روایات به‌طور اساسی توجه نشده و یا کم تر بدان‌ها توجه شده است؛ مانند روایات طول عمر و غیبت طولانی حضرت که تا زمان غیبت، کم تر در منابع یافت می‌شود و این گویای نوع نگاه این آثار به مهدویت دارد که نگاه چندان فراگیری نیست.

- در کمتر اثری از آثار یادشده، ملاک روشنی بر گزینش روایت ارائه شده و به‌طور اساسی، برخی از این ملاک‌ها در انگیزه نگارش این آثار بروز پیدا کرده است. از این رو برخی روایات در این منابع دارای اعتبار لازم نیست.

با توجه به آنچه در باره این دست کتاب‌ها گفته شده، درنگ بر روایات نشانه‌ها به‌طور عام و روایات منفرد در نشانه‌ها به‌طور خاص امری بایسته خواهد بود.

منابع

۱. ابن ابی شیبیه (۱۴۰۹ق). *المصنف*، بیروت، دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
۲. ابن جعد (۱۴۱۷ق). *مسند*، بیروت، دار الکتب العلمیة.
۳. ابن خلدون (بی تا). *تاریخ ابن خلدون*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۴. اربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۱ق). *کشف الغمة فی معرفة الائمة علیها السلام*، تبریز، مکتبه بنی هاشمی.
۵. آیتی، نصرت الله (۱۳۹۰). *تأملی در نشانه های حتمی ظهور*، قم، مؤسسه آینده روشن.
۶. بحرانی، سید هاشم (بی تا). *غایة المرام و حجة الخصام*، تحقیق: السید علی عاشور، بی جا، (نرم افزار کتابخانه اهل بیت علیهم السلام).
۷. پورسیدآقای، مسعود (۱۳۸۲). *میر مهر جلوه های محبت امام زمان علیهم السلام*، قم، حضور.
۸. تهرانی، آقا بزرگ (۱۴۰۳ق). *الذریعة الی تصانیف الشیعة*، بیروت، دارالاضواء.
۹. جمعی از پژوهشگران (۱۴۱۱ق). *معجم احادیث الامام المهدي علیهم السلام*، قم، مؤسسه معارف اسلامی.
۱۰. حمیری قمی، عبدالله بن جعفر (بی تا). *قرب الاسناد*، تهران، انتشارات کتابخانه نینوا.
۱۱. خوبی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۰ق). *معجم رجال الحدیث*، قم، مرکز نشر آثار شیعه.
۱۲. سلیمان، کامل (۱۴۲۷ق). *یوم الخلاص فی ظل القائم المهدي*، قم، دارالمجتبی.
۱۳. سبحانی، جعفر (۱۳۶۶). *کلیات فی علم الرجال*، قم، بی نا.
۱۴. صادقی، مصطفی (۱۳۸۵). *تحلیل تاریخی نشانه های ظهور*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۱۵. صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه (۱۳۷۸ق). *عیون اخبار الرضا علیهم السلام*، تهران، جهان.
۱۶. _____ (۱۴۱۳ق). *من لا یحضره الفقیه*، قم، انتشارات جامعه مدرسین.
۱۷. _____ (۱۳۹۵ق). *کمال الدین و تمام النعمة*، قم، دارالکتب الاسلامیه.
۱۸. _____ (۱۳۶۲). *صفات الشیعة*، تهران، علمی.
۱۹. صفار قمی، محمد بن حسن بن فروخ (۱۴۰۴ق). *بصائر الدرجات*، قم، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۲۰. صنعانی، عبدالرزاق (بی تا). *المصنف*، محقق: حبیب الرحمن الاعظمی، بی جا، منشورات المجلس العالمی.
۲۱. طبرانی، سلیمان بن احمد (۱۴۱۵ق). *المعجم الاوسط*، دار الحرمین للطباعة و النشر و التوزیع.
۲۲. _____ (۱۴۰۴ق). *المعجم الكبير*، بی جا، دار احیاء التراث العربی.
۲۳. طبری، محمد بن جریر بن رستم (۱۴۱۳ق). *دلائل الامامة*، قم، مؤسسه البعثة.

۲۴. طوسی، محمدبن الحسن (۱۳۶۵). تهذیب الاحکام، دار الکتب الاسلامیه، طهران.
۲۵. _____ (۱۴۱۱ ق). کتاب الغیبه، قم، مؤسسه معارف اسلامی.
۲۶. _____ (۱۴۱۴ ق). الامالی، قم، دار الثقافة.
۲۷. عاملی، سید جعفر مرتضی (۱۴۲۴ ق). بیان الأئمة وخطبة البيان فی المیزان، بیروت مرکز الإسلامی للدراسات.
۲۸. قزوینی، محمد بن یزید (بی تا). سنن ابن ماجه، تحقیق: محمد فؤاد عبد الباقي، بیروت، دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع.
۲۹. قشیری، مسلم بن الحجاج (بی تا). صحیح مسلم، محمد فؤاد عبد الباقي، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۳۰. قمی، علی بن ابراهیم بن هاشم (۱۴۰۴ ق). تفسیر قمی، قم، مؤسسه دارالکتاب.
۳۱. کلینی، محمدبن یعقوب (۱۳۶۵). الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۳۲. گروهی از اصحاب ائمه عليهم السلام (۱۳۸۱). الأصول الستة عشر من الأصول الأولية، تحقیق ضیاء الدین محمودی، قم، دارالحديث.
۳۳. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۴ ق). بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء.
۳۴. مدیرشانه چی، کاظم (۱۳۶۲). علم الحديث و درایة الحديث، قم، بی نا.
۳۵. مروزی، أبو عبد الله نعیم بن حماد (۱۴۱۴ ق). الفتن، بیروت، دار الفكر.
۳۶. مسعودی، علی بن حسین (۱۴۱۷ ق). اثبات الوصیة، قم، مؤسسه انصاریان.
۳۷. مفید، محمدبن محمدبن النعمان (۱۴۱۳ ق). الارشاد، قم، کنگره شیخ مفید.
۳۸. مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی (۱۴۱۶ ق). عقد الدرر فی اخبار المنتظر، تحقیق: عبد الفتاح محمد الحلو، قم، انتشارات نصایح.
۳۹. نعمانی، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷ ق). الغیبه، تهران، مکتبه الصدوق.
۴۰. نوری، میرزا حسین (۱۳۷۷). نجم الثاقب، قم، انتشارات مسجد جمکران.
۴۱. یزدی حائری، علی بن زین العابدین (۱۴۲۲ ق). الزام الناصب فی اثبات الحجة الغائب، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.